

گفت‌وگو با علی امرایی
عضو گروه آموزش دیده‌بان
شفافیت و عدالت

آموزش

کالایی تجاری

نیست!



گفت‌وگو کننده: ائدار محمدزاده صدیق



علی امرایی، فارغ‌التحصیل رشته حقوق و عضو مؤسسه دیده‌بان شفافیت و عدالت است. مؤسسه دیده‌بان شفافیت و عدالت در سال ۱۳۹۴ توسط آقایان احمد توکلی، الیاس نادران، امیرآبادی، فرشیدی و تعدادی دیگر از فعالان اجتماعی در وزارت کشور به ثبت رسیده است. این مؤسسه ۲۱ گروه تخصصی دارد. علی امرایی عضو گروه آموزش آن است. او همچنین در مجلس یازدهم به‌عنوان مشاور یکی از نمایندگان حضور داشته و در موضوع تأثیر معدل بر آزمون سراسری (کنکور) همراهی کرده است. آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگویی است با وی درباره آزمون سراسری و حاشیه‌های آن.

□ امتحانات باید به گونه‌ای باشند که هم روایی لازم را داشته باشند و هم بین معلومات دانش‌آموزان و محتوای کتاب درسی فاصله نیندازند. ما با امتحانات نهایی کاملاً موافق هستیم و تأثیر آن نمرات در پذیرش داوطلبان هم، امای بزرگی دارد که به تبعات این بحث برمی‌گردد. از همین رو ما اعلام کردیم آموزش و پرورش زیرساخت لازم را ندارد. حالا فکر کنید حین آزمون و بعد از برگزاری قرار است چه اتفاقاتی بیفتد. اگر امتحان نهایی را به آن شکلی که ما به مجلس و آموزش و پرورش پیشنهاد دادیم، تأثیر می‌دادند، حتماً ما بیشتر موفق می‌شدیم و مسیر حذف آزمون سراسری را در پیش می‌گرفتیم.

■ به نظر شما این شیوه سنجش دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه چه تبعاتی دارد؟
□ در مجموع تعداد امتحانات نهایی ۱۰ بار در هر بازه

■ ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار خوانندگان مجله گذاشته‌اید، بفرمایید آیا حذف آزمون سراسری اساساً امکان‌پذیر است؟

□ امکان‌پذیر نیست. این را نه تنها ما اعلام می‌کنیم، بلکه وزیر فعلی و سابق هم در وزارتخانه اعلام کردند که آزمون سراسری به این شیوه که در نظام سنجش و پذیرش داریم، حذف‌شدنی نیست. علتش هم این است، تا زمانی که حدود ۱۵ درصد از ظرفیت‌های رشته‌های دانشگاهی ما براساس آزمون سراسری و آزمون است و آن رشته‌ها هم عموماً رشته‌های پرطرفدار و خاصی هستند، ما نمی‌توانیم به سمت حذف آزمون سراسری برویم و حتماً باید معیار و سنجشی برای تفکیک داوطلبان داشته باشیم.

■ تصمیم‌های اخیر درباره اعمال معدل سه سال آخر دانش‌آموزان در نتیجه آزمون، چه تبعاتی در پی دارد؟

این‌ها بخشی از تبعاتی هستند که ما اعلام کردیم. با وجود این معتقدیم، باید راه و مسیری که برای تأثیر امتحان نهایی در پذیرش آزمون سراسری در نظر گرفته شده است، وجود داشته باشد؛ البته نه به شکل و شیوه‌ای که الان است.

■ پیشنهاد شما در خصوص نحوه برگزاری آزمون‌ها و در نهایت سنجش ورود به دانشگاه چیست؟

□ ما در خصوص امتحانات نهایی اعلام کردیم بیایم و کارنامه آزمون سراسری را اصلاح کنیم. امتحانات نهایی را (چه درس‌های اختصاصی، چه درس‌های عمومی) در قالب یک بسته در دل آزمون سراسری جا دهیم. یک درس ضریب‌دار با ضریب بالا باشد. یعنی وقتی درس فیزیک در آزمون سراسری ضریب شش می‌گیرد، ریاضی ضریب شش می‌گیرد، زیست به تنهایی ضریب ۱۲ می‌گیرد. این درس را بالای ۱۵ تا ۲۰ ضریب بدهیم. در واقع یک درس با ضریب بالا در دل آزمون سراسری جای بگیرد. الان تأثیر امتحانات به ۶۰ درصد رسیده است. یعنی یک نفر امتحان درصد برای او باقی مانده است. ولی آنجا در عمل این اثر به شکلی است که بعد از امتحان نهایی، اگر آزمون سراسری را خوب دادید، امتحان نهایی را پوشش می‌دهد و باعث می‌شود اختلاف بین نمره‌های امتحان نهایی و آزمون سراسری‌مان به نوعی حل شود. این‌گونه، هم امتحان‌های نهایی را تأثیر داده‌ایم و هم آزمون سراسری‌مان را برگزار کرده‌ایم و هم به شکلی بوده است که اگر داوطلبی در بخشی، آسیبی به

زمانی (خرداد، شهریور یا دی‌ماه) تکرار می‌شود و در مجموع ۳۰ بار در سال ما امتحان نهایی داریم. در صورتی می‌توان به امتحانات نهایی تکیه و اعتماد کرد که ورق‌ها به صورت الکترونیکی تصحیح شوند. دوم اینکه، اختلاف نمره‌هایی که در تصحیح وجود دارد، حل شود. این حل شدن با آیین‌نامه یا گذاشتن چارچوب است. اختلاف ۲۵ صدم یا نیم یا یک نمره‌ای بین تصحیح‌کنندگان اول و دوم باشد. البته الان اختلاف‌های حتی ۸ نمره‌ای هم داریم، چرا که ما در سراسر کشور چندین هزار نفر با معدل‌های ۱۹ و ۲۰ داریم که وقتی با این تعداد مواجه هستیم، قاعدتاً ۰/۲۵ اختلاف می‌تواند نفرهای اول و دوم را جابه‌جا کند. این‌ها تبعات برگزاری این امتحانات و تبعات همین اجرای مصوبه‌های جدید و اخیر است. از این نظر ما احساس‌مان این است که هرچند این مصوبه باید اجرایی شود، اما با تأمین و ایجاد زیرساخت و دادن فرصت به جامعه برای آشنایی بیشتر با سیستم سنجش و پذیرش جدید باید صورت گیرد. معلم باید با شیوه تصحیح ورقه آشنا شود. تأمین زیرساخت‌ها در آموزش و پرورش صورت گیرد و داوطلب نیز آمادگی لازم را داشته باشد. در حال حاضر قرار است آموزش و پرورش پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم را در یک سال به صورت هم‌زمان برگزار کند. اگر میانگین را برای هر پایه یک میلیون نفر بگیریم، به‌طور هم‌زمان قرار است از سه میلیون دانش‌آموز آزمون گرفته شود. این بار سنگینی است. بر دوش آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش حتی با اختصاص بودجه کافی از مجلس نتوانست قانون رتبه‌بندی معلمان را به خوبی اجرا کند.

نمره‌اش وارد شود، به خاطر نخواندن و به خاطر مشکلات جسمی، روحی و روانی، آن عقب‌افتادگی در درس باعث نشود آینده و زندگی‌اش تباہ شود.

■ **برای نظام آموزش موازی با نظام تعلیم و تربیت رسمی، که پدیدهٔ آزمون سراسری موجب پیدایش آن بوده است، چه آینده‌ای متصور هستید؟**

□ آموزش و پرورش و دورهٔ پیش‌دانشگاهی نقطهٔ اتصال دورهٔ دبیرستان به دانشگاه است. آزمون سراسری به این شکل سابقه‌اش به ۵۰ سال گذشته برمی‌گردد. الان نظام آموزشی ما مدام در حال تغییر است. اما سابقهٔ برگزاری آزمون سراسری ما به سال ۱۳۵۰ برمی‌گردد. ما نمی‌توانیم بگوییم نظام آموزشی باعث پدیدهٔ شکل‌گیری آزمون سراسری بوده است. خیلی‌ها می‌خواهند واژهٔ آزمون سراسری را واژه‌های زمخت، سخت و ترسناک در جامعه جلوه دهند که لازم است به سمت نابودی آن برویم؛ در حالی که آزمون سراسری یعنی سنجش. آزمون سراسری گردش مالی دارد. آزمون سراسری به داوطلب آسیب می‌زند، آزمون سراسری فشار روانی می‌آورد. تمام این‌ها را می‌دانیم. اما برای جایگزینی آنچه پیشنهادی مطرح است؟ جایگزین آن هر چه باشد، امتحان نهایی به این شیوه نمی‌تواند باشد. از این نظر معتقدم، اتفاقاً آزمون سراسری قدمتش نسبت به همین تغییراتی که ما داشتیم، بیشتر است و از این نظر ما فکر می‌کنیم ما همانند برخی از کشورها به سمتی برویم که دورهٔ آموزشی ما به شکلی باشد که در برخی از رشته‌ها بتوانیم بدون آزمون

داوطلب را به دانشگاه بسپاریم و خود دانشگاه ارزیابی لازم را انجام دهد. نظام آموزشی در ایران یک قیف برعکس است. در بسیاری از کشورها این قیف حالت معمولی خودش را دارد. در کشور ما در ورودی خیلی سخت‌گیری می‌شود که ما مخالف آن سخت‌گیری نیستیم. اما در خروجی می‌بینید اصلاً خیلی کم می‌شنویم که بگویند دانشجویی از دانشگاه اخراج شد. اگر هم اخراج شد، به دلیل بحث‌های عقیدتی و سیاسی بوده است و به دلایل علمی کمتر پیش می‌آید دانشجویی از دانشگاه اخراج شده باشد. از این نظر در شرایطی که جامعه نسبت به رشته‌های پرطرفدار (که ما مطمئنیم خیلی از این کاسبی‌ها به دلیل رشته‌های علوم پزشکی است) تمایل دارد، ما می‌توانیم به سمتی برویم که هم بین آزمون سراسری و امتحانات نهایی تعادل برقرار شود و هم صدمه‌ای به نظام آموزشی مان وارد نشود.

■ **فکر نمی‌کنید اگر پالایه برداشته شود، شاید همه بخواهند به سمت رشته‌های مطرح هر دوره بروند؟**

□ اگر همه چیز درست انجام شود، مشکلی ایجاد نخواهد شد. ما مخالفیم که نظام آموزشی ما همانند کشور روسیه شود. الان کشور روسیه به این شکل است که دانشجوی ما را ثبت‌نام می‌کند و تنها یک آزمون عمومی شامل درس زبان روسی از او می‌گیرد. آنجا پزشکی یا دندان‌پزشکی تحصیل می‌کند و بعد از فارغ‌التحصیلی به کشور ما وارد می‌شود. ما نمی‌خواهیم کشور از نظر علم پزشکی در جهان همانند روسیه باشد. چون





□ با نظارت بر دانشگاه؛ به شکلی که اگر هزار داوطلب در دانشکده‌ای پذیرش شد، بتوانید از این تعداد ۱۰۰ نفر را برای این رشته آماده کنید. اما احساس من این است که ما در دانشگاه‌هایمان این ظرفیت را نداریم. بحث آموزش در دانشگاه‌های ما به خوبی در کشور اجرا می‌شود. اما یعنی بحثی داریم که خود دانشگاه بتواند تفکیک کند. یعنی تفکیک نظام سنجش و پذیرش صورت گیرد. الان سنجش و پذیرش از هم تفکیک نشده‌اند و هر دو به یک شکل در سازمان ملی سنجش صورت می‌گیرند. اگر این الگو تبیین شود و به سمتش برویم، خیلی خوب است و ما در این قضیه سود خواهیم کرد. اما اجرای آن برنامه دقیقی می‌طلبد. باید ظرفیت آن وجود داشته باشد. به این ترتیب، نمره استاد به صورت مستقیم در ادامه تحصیل دانشجوی پزشکی اثرگذار خواهد بود. اما الان به چه صورت است؟ اگر فرد در رشته پزشکی پذیرفته شود، به قدری در دانشگاه می‌ماند تا فارغ‌التحصیل شود. وقتی صد نفر در دانشکده پزشکی پذیرفته می‌شوند، دست کم ۹۵ نفرشان فارغ‌التحصیل می‌شوند.

■ جاذبه‌های مالی تا چه میزان در این باره مؤثرند؟

○ آموزش در کشور ما کالایی اقتصادی نیست. ما در اصول متعدد قانون اساسی آموزش و پرورش رایگان را داریم و پذیرفتنی نیست که آموزش و پرورش پولی شود.

ما در علم پزشکی در جهان حرفی برای گفتن داریم. اجرای این قانون در کشور ما سبب ضعف در این علم خواهد شد، چرا که در دانشگاه‌های ما باید نظارت باشد. اگر ما ورودی را آسان بگیریم و از طرف دیگر به دانشگاه بپذیرانیم که شما موظفید از این هزار نفر، یکصد نفر را جدا و مجاز به دریافت نظام پزشکی کنید، احساس می‌کنم نظام آموزشی عالی ما این ظرفیت را ندارد. اینکه در کشورهای دیگر تا چه میزان این موضوع به درستی اجرا شده است، نیازمند تحقیق است. اما اینکه من می‌گویم بار روانی آن در کشور کم شود، منظورم این است که چرا پزشک باید چند برابر پرستار درآمد داشته باشد؟ از بچه که می‌پرسی می‌خواهی چکاره شوی، می‌گویی می‌خواهم پزشک شوم تا پولدار شوم. آموزش و پرورش به راحتی می‌تواند تفکر حاکم بر دانش آموز پایه اول را که می‌خواهد پزشک یا پلیس شود، به صورت مهارت‌محوری و تخصص‌گرایی در جامعه برطرف کند. به این صورت که اگر پرستار هم بشوی، در آینده شغل خوبی خواهی داشت و اگر مکانیک هم بشوی، درآمد خوبی خواهی داشت. در واقع به او توضیح دهیم. بنابراین، من با این الگو موافقم، اما باید ظرفیتش در کشور وجود داشته باشد.

■ ایجاد چنین ظرفیتی در دانشگاه‌های کشورمان چگونه و تا چه میزان امکان‌پذیر است؟

این قدرت یک طرف، کم کاری برخی ها هم یک طرف. هر روز کتاب درسی لاغرتر و کتاب آموزشی چاق تر می شود. هر روز محتوای درسی کتابها ساده تر می شود. چرا توضیحات کامل کتاب درسی در خود کتابهای درسی نیاید؟ مگر ما مشکل چاپ داریم؟! همین پول را که ناشران کتابهای کمک آموزشی می گیرند، آموزش و پرورش بگیرد. ما باید به شدت بایستیم در مقابل افراد و کسانی که به نوعی می خواهند در این حوزه، به خصوص حوزه آموزش، سودجویی کنند. اما اگر شخص آموزش صحیح و درستی به مردم می دهد، ما موافق آن هستیم. وقتی آموزش و پرورش با کمبود معلم مواجه است (تا سال گذشته ۱۸۰ هزار نفر کمبود معلم داشتیم) و وقتی که کتاب درسی هم ضعیف است، کمبود معلم و کاستی کتاب درسی را کنار هم بگذارید، خودبه خود دانش آموز راه رفتن به سمت مؤسسات آموزشی و خرید کتابهای کمک آموزشی را طی می کند.

■ در حال حاضر برای تحقق عدالت اجتماعی در پذیرش دانشگاه های دولتی (رایگان) چه تلاش هایی صورت می گیرد؟

ابتدا بگویم، متأسفانه در سالهای اخیر آموزش در رشته های روزانه کمتر و در رشته های غیرروزانه بیشتر شده است. متأسفانه الان با کمبود و کاهش صندلی های دولتی، رایگان و روزانه در جامعه مواجه می شویم. یک سالی ما اصلاً پدیده ای به اسم ظرفیت خودگردان نداشتیم. یک سالی ما اصلاً پدیده ای به اسم ظرفیت مازاد یا پردیس نداشتیم. الان رشته های پردیس صندلی های مازاد و ظرفیت خودگردان، اینها در واقع صندلی هایی هستند که به شکل پولی در اختیار دانشجویان قرار داده می شوند و ما از این بابت متأسف هستیم. اما اینکه برای مقابله و مواجهه با این پدیده چکار کنیم، ابتدا باید به مسئولانی که در حال سنجش در کشور هستند، یادآوری کنیم که در حال سنجش هستند؛ مسئولانی که تعیین می کنند صندلی ها در یک دانشگاه به چه شکل باید باشند. تناسب صندلی های دولتی و غیردولتی و شبانه به چه شکل باشد! ما اصول قانون اساسی را به ایشان یادآوری می کنیم. در آنجا باز هم آموزش رایگان داریم. به همین خاطر و به همین جهت، اگر ما به مدار قانون برگردیم، این موضوع حل می شود و این سؤال شما هم جوابش را می گیرد. از سال ۱۳۹۲ ما با پدیده مازاد و خودگردان مواجه بودیم و باید به شکلی پیش برویم که هرچه سریع تر این نسبت ۸۰، ۲۰ که الان در بعضی

دانشگاهها بیشتر شده است، به سمتی برود که ظرفیت رشته های دولتی افزایش و ظرفیت رشته های خودگردان و پردیس کاهش یابد. البته مسئله تنها بحث رشته های دولتی نیست. این را هم در نظر داشته باشید که ما تا زمانی که آمایشی انجام ندهیم و تا زمانی که رشته های تحصیلی را با بازار کار متناسب نکنیم، با این مشکل مواجه هستیم. الان در نظر بگیرید که در سال گذشته ما چه تعداد صندلی خالی در دانشگاه های دولتی داشتیم که براساس آن ۸۵ درصد ظرفیت می توانست صرفاً بر اساس سابقه تحصیلی ورود کند. در خصوص همین بحث آزمون سراسری، ما پنج بار با آقای رئیس جمهور مکاتبه انجام دهیم و هر پنج بار، ۴۸ ساعت پس از مکاتبه رئیس جمهور شهید آقای رئیسی، به شورای عالی انقلاب فرهنگی دستور داد نظرات ما را مطالعه کنند و جواب دهند.

ما معتقدیم، امتحانات نهایی حتماً باید تأثیر داشته باشند. حتماً باید بازار مالی آموزش در کشور ما برچیده شود. حتماً باید به سمت دولتی شدن رشته ها برویم. حتماً باید به سمت محدود شدن پول در آموزش در کشور برویم. و ما هر کمکی از دستمان بر بیاید انجام می دهیم. اما یک نکته مهم فشار روانی است. به داوطلبان فشار روانی وارد نکنیم! فشار روانی را از یک بار دو بار آزمون سراسری به ۳۰ بار امتحان نهایی منتقل نکنیم! اگر هم می خواهیم این کار را انجام دهیم، به همان شکل کنار هم بگذاریم. ما تربیت و تعلیم داریم، نه تعلیم و تربیت. تربیت در کشور ما بسیار مهم است که در بعضی از مدرسه ها آن را نادیده می گیرند. از این نظر ما آن قدر که با نمره گرایی در کشور مواجهیم، ای کاش با تدریس اخلاق و زندگی و شخصیت با دانش آموزان و جامعه هدف ما که دانش آموزان هستند روبه رو بودیم. این موضوع را ما نباید نادیده بگیریم. در قرآن، در قانون اساسی و در تمام قوانین کشور ما، به اخلاق و به پاکی در جامعه سفارش شده است. ای کاش زمانی و روزی برسد که موضوع مصاحبه ما، به جای آزمون سراسری، بحث تربیت در جامعه باشد. همین آزمون سراسری و امتحانات نهایی را ببینید چه کسانی در کشور ما آموزش می دهند. آیا مشکل اخلاقی دارند یا نه؟! کسانی که آموزش خصوصی را بر عهده دارند و تبلیغ می کنند، ببینید چه مشکلاتی دارند. آیا اینها صلاحیت لازم برای تدریس در آموزشگاه های خصوصی را دارند؟! ما نباید فرزند خود را به دست افرادی بسپاریم که نگاهشان نگاه اسلامی و نگاه داخل کشوری نیست. امیدواریم این موضوع ساماندهی شود.